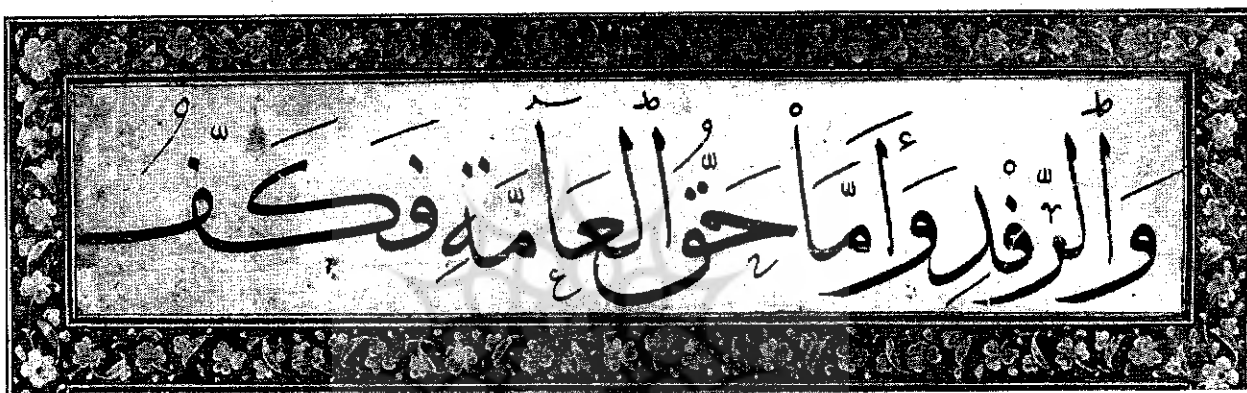


آشنایی با کاتبان بزرگ

یاقوت مستعصمی

امین نعیمایی عالی



آشنایی با هنرمندان بزرگ مسلمان و ایرانی، به عنوان یکی از موضوع‌های مقالات تخصصی این نشریه انتخاب شده است که طی شماره‌های متوالی بدان پرداخته می‌شود. در هر شماره، به اختصار به زندگی، شخصیت و آثار یکی از خوشنویسان بزرگ ایرانی و معرفی آنان خواهیم پرداخت. هدف از این نوشتارها آن است که بخشی از تاریخ هنر کتابت اسلامی و ایرانی را به زبان و بیانی ساده که در عین حال مبتنی بر پژوهش و تحقیق باشد، عرضه کنیم. امید است که به یاری خدای متعال بتوانیم به این اهداف دست یابیم و قدم کوچکی در معرفی مفاخر علمی و فرهنگی کشور و هنرمندان جهان اسلام برداریم.

عبارت‌انداز:

۱. قدرت گرفتن مغولان و حملات آنان به ممالک اسلامی که در نهایت منجر به تسلط آنان بر این ممالک شد.
۲. ادامه و خاتمه یافتن جنگ‌های صلیبی بین مسیحیان و مسلمانان.
۳. فروپاشی حکومت ۵۲۵ ساله‌ی عباسیان به عنوان ام‌القری کشورهای مسلمان.
۴. نابودی فرقه‌ی اسماعیلیه در ایران.
۵. کاهش قدرت مسلمانان اهل سنت و گرایش آنان به مذهب تشیع.

عصر یاقوت

عصری که یاقوت در آن پا به عرصه‌ی گیتی نهاد، یکی از اعصار مهم و حساس تاریخ ایران و کشورهای اسلامی است. از مهمترین وقایع این عصر می‌توان به چند مورد اشاره کرد که تاثر بسزایی در سرنوشت ممالک اسلامی و ملت‌های مسلمان آن عصر داشته است. وقایع مهم تاریخی و سیاسی عصر یاقوت

اشتراکات، باعث شده است که حتی در نظر بسیاری از دانشمندان و نویسندگان نیز آنان به جای یکدیگر تصور شوند و برخی از ویژگی‌ها، اوصاف و وقایع زندگی و آثارشان، به نام همانامشان نوشته شود و در موارد زیادی نیز قضاوت‌های نادرستی درباره آنان صورت گیرد. از این رو، به اختصار به معرفی این چهره‌های مشترک می‌پردازیم.

الف. یاقوت موصلی: ابن عبدالله موصلی ملکی، کاتب، نحوی و ادیبی بود که وفات وی را در سال‌های ۶۰۰ و ۶۱۸ ه. ق. نوشته‌اند. یاقوت حموی درباره‌ی او می‌نویسد: «کاتب، نحوی و ادیب بود. در خوشنویسی و استواری خط، بر شیوه‌ی ابن یوآب، یگانه‌ی روزگار بود... کتاب‌های بسیاری در دست مردم به خط او دیدم که دست به دست می‌گردانیدند و بهایی‌گران بر آن می‌نهادند. در میان آن‌ها نسخه‌هایی از صحاح جوهری و مقامات حریری بود. یاقوت موصلی در سال ۶۱۸ ه. ق. در سنین بالا درگذشت.» و ابن خلکان نیز بایبانی متفاوت، همین ویژگی‌ها را درباره‌ی وی نوشته است.

ب. یاقوت رومی: ابوالدر یاقوت بن عبدالله رومی ملقب به مهذب‌الدین، پس از یاقوت موصلی درگذشت. یاقوت حموی درباره‌ی وی می‌نویسد: «یکی از ادیبان و شاعران بزرگ روزگار بود. در بغداد پرورش یافت. قرآن را از بر کرد و در مدرسه‌ی نظامیه به کسب دانش پرداخت و در آن جا علوم عربی و ادبی را فراگرفت. پس به شعر رغبت کرد. خط و ضبطی نیک داشت. دیوان اشعاری لطیف از او برجای مانده است. وفاتش را در ربیع‌الآخر ۶۲۲ ه. ق. گفته‌اند.»

این خلکان نیز علاوه بر اشاره به این موارد، وی را غلام ابونصر جبلی دانسته است که پس از رسیدن به حد تمیز و کمال، نام عبدالرحمن را بر خویش نهاده بود و خطی خوش می‌نوشت. او همچنین از قول ابن نجّار در ذیل تاریخ بغداد آورده است که ابوالدر را در چهارشنبه ۵ جمادی الاول سال ۶۲۲ ه. ق. در خانه‌اش مرده یافتند و معلوم نشد کی مرده است. گویا شصت سال عمر کرده بود.



۶. افزایش قدرت شیعیان و فراهم شدن زمینه‌های لازم برای اعلام رسمیت تشیع.
۷. پذیرش دین اسلام از سوی شاهان ایلخانی و ترویج آن.

آشنایی اجمالی با یاقوت

دارالخلافه پرورش یافت. دیگر منابع نیز احتمالاً بنا بر همین اقوال، با عبارات مشابه به بردگی یاقوت در کودکی اشاره کرده‌اند. از این رو، این سال‌ها دومین دوران زندگی یاقوت است که گرچه با تنهایی و غربت و دوری از خانواده همراه بود، از نظر مادی از

شده است. و در برخی از منابع نیز کنیه او را «ابومجد» قید کرده‌اند. علاوه بر این، همین القاب و کنیه‌ها برای سه یاقوت دیگر نیز که قبلاً یاد شدند، به کار رفته است. همچنان که در مباحث دیگر نیز اشاره کردیم، در

برد. یاقوت چون بزرگ شد، قدری نحو و لغت خواند. پس بین او و مالکش پیشامدی رخ داد که موجب آزادی او شد... پس در بذل فرد به کتابت پرداخت. معجم البلدان، معجم الادب، معجم الشعرا و... از تألیفات اوست.»

ولادت وی در سال ۵۷۴ یا ۵۷۵ ه. ق. در روم بود و در یکشنبه ۲۰ رمضان سال ۶۲۲ در حلب درگذشت.

د. یاقوت مستعصمی: او ظاهراً آخرین یاقوت است که بر مبنای پژوهش‌ها و شواهد موجود، سال ولادت وی حدوداً مصادف با ایام پیری و وفات یاقوت ملکی، یاقوت رومی و یاقوت حموی است. ما در این مقاله، دربارهٔ یاقوت مستعصمی سخن خواهیم گفت.

عصر، هیچ‌گاه خانواده‌ی یک برده از اهمیتی برخوردار نبوده است که کسی درباره‌ی آنان چیزی بنویسد.

۴) اصالت و نژاد یاقوت

نژاد او را برخی از منابع «حبشی» و برخی دیگر

«رومی» نوشته‌اند. احمد رومی که از خوشنویسان معاصر یاقوت بود، در ترغیب فرزندش به خوشنویسی می‌گفت: «جهدی کن که اگر

همچون من نتوانی نوشت، مثل آن غلام سیاه، یعنی یاقوت بنویسی.»



با عنایت به این که «یاقوت» نام ویژه‌ی بردگان بوده و اشارات دیگری که درباره‌ی سیاهی پوست و حبشی بودن یاقوت در دست است می‌توان احتمال حبشی بودن وی را بیش از ترک و رومی بودن او دانست. البته می‌توان این احتمال را نیز داد که خانواده‌ی وی سیاه‌پوست و اهل حبشه بوده ولی در یکی از شهرهای ترکیه‌ی امروزی (احتمالاً آماسیه) زندگی کرده باشند. به هر حال، اگر چه درباره‌ی خانواده و محل زندگی وی پیش از انتقال به دربار مستعصم اطلاعات قطعی وجود ندارد، ولی درباره‌ی سیاه‌پوست بودن و اصالت حبشی وی، تردید نیست.

۵) نام کنیه و نسبت یاقوت

آن چنان که از آثار یاقوت و نوشته‌های عموم مورخان و نویسندگان برمی‌آید، می‌توان به این نتیجه رسید که نامش یاقوت بوده است. درباره‌ی علت انتخاب این نام باید گفت موقعیت فرودست اجتماعی و خانوادگی یاقوت در زمان تولد و دوران کودکی وی، سرنوشت او را با قرار گرفتن در خیل بردگان و غلامان رقم زد. از این رو، نام «یاقوت» را بر او نهادند. صلاح الدین سنجر درباره‌ی انتخاب نام یاقوت می‌نویسد: «یاقوت نامی ویژه بردگان بوده است. یاقوت را در شمار بردگان به بغداد آوردند...»

یاقوت در همه‌ی آثارش، نامش را «یاقوت مستعصمی» نوشته که خود مهمترین سند و مدرک معتبر برای قضاوت در این باره است. در منابع مختلف هنری و تاریخی، از القاب «قبله‌الکتاب» و «جمال‌الدین» و کنیه‌های «ابوذر» و «ابوالدُر» یاد

۲) ولادت یاقوت

در مورد زمان ولادت وی در هیچ یک از منابع موجود اظهار نظر دقیقی نشده است. برخی از منابع، به طور عام به سال‌های پس از ۶۰۰ اشاره دارند و برخی نیز طول عمر وی را ۸۹ سال نوشته‌اند. با توجه به سال وفات یاقوت، تقریباً مشخص است که اگر سال وفات و مدت عمر وی ملاک محاسبه سال ولادت قرار گیرد، می‌توان گفت که وی احتمالاً در سال‌های ۶۰۹ یا ۶۱۰ ه. ق. به دنیا آمده است که مقارن با سال‌های پایانی خلافت ابوالعباس احمد الناصر الدین الله، سی و چهارمین خلیفه‌ی عباسی است.

آغاز هجوم مغولان به ممالک اسلامی، بنابه تصریح منابع تاریخی ۶۱۲-۶۱۶ ه. ق. است. از این رو، می‌توان گفت سال‌های ولادت و کودکی یاقوت، مصادف با سال‌های آغازین حملات مغولان به ممالک مسلمان است.

۳) خانواده‌ی یاقوت

در منابع موجود، درباره‌ی خانواده و بستگان یاقوت، اطلاعات بسیار مختصر و ناقصی به چشم می‌خورد. نام پدر وی را عبدالله ذکر کرده‌اند و در یک مورد نیز نام پدر وی عبدالله مستعصمی آمده است. با عنایت به این که عموماً به بردگی یاقوت اشاره دارند، به نظر می‌رسد که وی ایام کودکی از خانواده‌ی خویش جدا شده و پرورش وی نیز در دربار المستعصم، خلیفه‌ی عباسی صورت پذیرفته باشد. با توجه به موقعیت اجتماعی یاقوت در آن

شده است. و در برخی از منابع نیز کنیه او را «ابومجد» قید کرده‌اند. علاوه بر این، همین القاب و کنیه‌ها برای سه یاقوت دیگر نیز که قبلاً یاد شدند، به کار رفته است.

همچنان که در مباحث دیگر نیز اشاره کردیم، در



دارالخلافه پرورش یافت. دیگر منابع نیز احتمالاً بنا بر همین اقوال، با عبارات مشابه به بردگی یاقوت در کودکی اشاره کرده‌اند. از این رو، این سال‌ها دومین دوران زندگی یاقوت است که گرچه با تنهایی و غربت و دوری از خانواده همراه بود، از نظر مادی از

نعمت فراوانی برخوردار شد و از پایین‌ترین طبقات اجتماعی برید و به فضای زندگی اشرافی راه یافت که همه‌گونه وسایل تنعم و آسایش وی را فراهم می‌ساخت.

۳. دوران پرورش علمی و هنری: با توجه به این که دربار خلیفه همچون همه‌ی دربارهای پادشاهان و امیران، محل آمد و رفت علما و دانشمندان و هنرمندان بزرگ آن عصر بود، خلیفه به تربیت وی همت گماشت و علاوه بر آشنا ساختن وی با مقدمات علوم ادبی و دینی، به پرورش هنری وی نیز پرداخت. آشنایی وی با استادان خوشنویسی و کاتبان کتابخانه‌ی خلیفه، زمینه‌ی آشنایی وی را با هنر کتابت فراهم ساخت. قطعاً در این ایام، یاقوت بایستی دوران نوجوانی را پشت سر گذاشته باشد.

۷) استادان یاقوت

استادان یاقوت را می‌توان در دو طبقه قرار داد: نخست، استادان مستقیم و بلاواسطه‌ی وی، دوم استادان بزرگ پیش از یاقوت که فقط آثارشان موجود بود. بنا به تصریح تمام منابع، یاقوت از دو استاد زنده‌ی عصر خود تعلیم خط گرفت. ۱- صفی‌الدین عبدالؤمن بن یوسف ابن فخرارموی ۲- زکی‌الدین عبدالله بن حبیب.

۱. صفی‌الدین ارموی. نخستین استاد یاقوت بود. زهبی در تاریخ الاسلام می‌گوید که ارموی گنجور کتابخانه‌ی مستعصم خلیفه بود. توجهی بسیار به موسیقی داشت... در خوشنویسی نیز استاد بود و در ۶۹۳ ه. ق. درگذشت.

۲. عبدالله بن حبیب. دومین استاد یاقوت بود. ابن حبیب علاوه بر خوشنویسی، دانشمندی فاضل و در عرفان و تصوف نیز نامدار بود. ابن فوطی می‌نویسد: «او بر طریقه‌ی ابن بواب می‌نوشت و دانشمندی فاضل بود. در ۶۵۷ ه. ق. در خانقاه اصحاب، شیخ صوفیان شد و در ۶۷۲ ه. ق. شیخیت خانقاه مجدالدین ابن اثیر نیز به او تعلق

عموم منابع، به ترتیب و پرورش یاقوت نزد المستعصم، آخرین خلیفه‌ی عباسی اشاره شده است. از این رو، نسبت مستعصمی همیشه همراه اسم یاقوت به کار رفته است. این نسبت حتی در آثاری که یاقوت پس از مرگ خلیفه‌ی عباسی و سال‌های انقراض خلافت عباسیان از خود به جای گذاشته است، دیده می‌شود. می‌توان با مرحوم فضایی هم نوشت که «یاقوت خود را مستعصمی می‌خواند...» که این نشانی از وفاداری یاقوت به المستعصم بالله، آخرین خلیفه‌ی عباسی و قدردانی او از این خلیفه است که به پرورش و تربیت وی همت گماشته بود و توانست استعدادهای نهفته در او را پرورش دهد و بزرگ‌ترین خوشنویس عصر خویش را تربیت کند که بیش از ۳۰۰ سال خوشنویسان پس از خود را تحت تأثیر قرار داد و به دنبال هنر خود کشاند.

۶) پرورش و تربیت یاقوت

پرورش و تربیت یاقوت را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد.

۱. دوران کودکی. که دوران گمنامی و بی‌هویتی است. چنان که گذشت، در یک خانواده‌ی فرودست از طبقات پایین و محروم اجتماعی متولد شد و شاید چند سال از عمرش نگذشته بود که از بازار برده‌فروشان سردرآورد و او را به غلامی برای مستعصم عباسی خریدند.

۲. از دوران آغاز بردگی وی و پرورش در دربار خلیفه‌ی عباسی. هیچ اطلاع قطعی‌ای درباره‌ی زمان دقیق و سال‌های آغاز بردگی در دست نیست؛ ولی آنچه در منابع قید شده است، به ایام کودکی وی بازمی‌گردد. ابن فوطی در حوادث الجامعه می‌نویسد یاقوت را مستعصم خلیفه در کودکی خرید و او در

گرفت... این حبیب در سال ۶۸۳ ه. ق. وفات یافت. علاوه بر این دواستاد که شرح حال مختصر آنان گذشت، یاقوت همچون استادش این حبیب که بر طریقه‌ی ابن بواب می‌نوشت، با بهره‌مندی از خطوط خوشنویسان بزرگ پیش از خود، چون «ابن مقله»، «ابن اسد»، «ابن بواب»، «زینب شهره» و «ولی عجمی» نیز کتابت می‌کرد. از این رو، می‌توان استادان بزرگ پیش از او را نیز جزو استادان وی برشمرد.

۸) ادوار زندگی یاقوت

ادوار زندگی یاقوت را می‌توان به ۱) دوران کودکی تا آغاز بردگی، ۲) آغاز بردگی تا به خلافت رسیدن مستعصم عباسی، ۳) دوران خلافت مستعصم و ۴) دوران پس از مرگ مستعصم و سقوط خلافت عباسیان تقسیم کرد.

از ولادت تا آغاز بردگی وی، اطلاعات دقیقی در دست نیست و پیش‌تر شرح آن گذشت.

دوران آغاز بردگی و پرورش وی نزد مستعصم نیز تا حدودی مبهم است. بر اساس شواهد و قراین موجود، زمانی مستعصم، یاقوت را به غلامی خرید که هنوز به خلافت نرسیده بود. پایان این دوران، سال ۶۴۰ ه. ق. است که مستعصم آخرین خلیفه‌ی عباسی، به قدرت رسید.

دوران سوم زندگی یاقوت، مصادف با دوران خلافت مستعصم عباسی بود که از سال ۶۴۰ تا ۶۵۴ ه. ق. بوده است. بر اساس آثار یاقوت در این سال‌ها وی خوشنویسی توانا بوده و برخی از آثار خوشنویسی خود را به مستعصم تقدیم کرده است. از این رو، نزد وی از منزلت و مرتبه‌ی بلندی برخوردار بوده است.

دوران چهارم زندگی یاقوت، از سال ۶۵۴ ه. ق. آغاز می‌شود که حکومت عباسیان سقوط کرده بود و یاقوت احتمالاً سنین بالای چهل سالگی را می‌گذراند.

آن‌ها به گرایش‌های مذهبی یاقوت بی‌برد عبارتند از: کتابت «صحیفه‌ی سجادیه»، کتابت شعر «نادعلیاً مظهر العجایب» و «رقم‌ها» بی‌وی ذیل آثارش.

شعر «نادعلیاً» نشانگر علاقه‌مندی یاقوت به حضرت علی علیه‌السلام و گرایش وی به

مذهب شیعه است. کتاب صحیفه‌ی سجادیه که شامل مجموعه‌ی دعا‌های امام سجاد علیه‌السلام است، نیز نشانی دیگر از توجه وی به امامان شیعه و ارزش‌های مذهب تشیع است. در بررسی عمیق امضاها و رقم‌های یاقوت ذیل آثار در دسترس وی

درمی‌یابیم که او در ۲۲ مورد عبارت «حامدالله» را به کار برده است.

در همین رقم‌ها ۱۹ مورد به عبارات «نبیه»

«محمد نبیه» و «نبیه محمد» و در ۱۷ مورد عبارات «آله»، «آله الطیبین»، «آله الطیبین الطاهرین و مسلماً» و در سه مورد عبارت «صحابته» به کار رفته است. با عنایت به این نشانی‌های صریح، می‌توان گفت وی به احتمال زیاد، پیرو مذهب تشیع بوده است یا دست کم، پیرو یکی از فرقه‌های اهل سنت که بیش‌ترین نزدیکی را به شیعه دارند. و حتی ممکن است به تقیه مذهب اهل سنت را اختیار کرده ولی در اصل، پیرو مذهب تشیع بوده باشد.

معرفی آثار

آثار یاقوت را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: تالیفات، آثار خوشنویسی و شاگردان.

۱- تالیفات: کتابها و رساله‌های متعددی را به یاقوت نسبت داده‌اند اما از جمله آثار قطعی او، باید از «رساله فی الخط» و اشعار یاقوت نام برد.

۲- خوشنویسی و آثار مکتوب: یاقوت را در تندنویسی و پرکاری بسیار ستوده‌اند و گاهی هم درباره او، اغراق کرده‌اند و از جمله گفته‌اند: هزار و

۹) مذهب یاقوت

اظهار نظر درباره‌ی مذهب یاقوت مشکل است. در مورد مذهب وی در هیچ یک از منابع مطلبی ذکر نشده است. از این رو، ناچاریم از قراین و شواهد دیگری مددجوییم. با توجه به آثاری که از یاقوت باقی مانده است، تا حدودی می‌توان گرایش‌های مذهبی وی را که یکی از فرقه‌های مذهبی اسلامی بود، تشخیص داد. آثار مهمی که می‌توان از طریق



- ۱۰- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد ۸.
۱۱- رشیدالدین، فضل الله، مکاتبات رشیدی، به کوشش محمد شفیع، پنجاب لاهور، ۱۹۴۵ م/ ۱۳۶۴ ه. ق.
۱۲- زین الدین المصری، ناجی، مَصَوِّر الخَطِّ العَرَبِی.
۱۳- زین الدین المصری، ناجی، بدایع الخَطِّ العَرَبِی، ۱۹۷۱.
۱۴- سودآور، ابوالاعلی،

Art of the Persian Courts.

- ۱۵- شوشتری، قاضی نورالله، تاریخ حبیب السیر، جلد دوم.
۱۶- شیمل، آن ماری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۱۷- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۳، بخش ۱.
۱۸- عبودالجودی، ترکی عطیه، الخط العربی الاسلامی، دارالبیان، بغداد، ۱۹۷۵.
۱۹- علی دوستی، محمد، قرآن نویسان، چاپ اول، انتشارات آراد، ۱۳۷۴.
۲۰- فصلنامه ی چلیپا، سال اول، شماره ی سوم، بهار ۱۳۷۱.
۲۱- فضائلی، حبیب الله، اطلس خط، انتشارات مشعل اصفهان، ۱۳۵۵.
۲۲- فضائلی، حبیب الله، تعلیم خط، سروش، ۱۳۶۰.
۲۳- فهرست نسخه های خطی مجلس شورای اسلامی، تهران.
۲۴- فهرست نسخه های خطی دانشگاه تهران.
۲۵- محمدتقی اخویان، مقاله های ارسالی به همایش یاقوت، «منتشر نشده».
۲۶- مارتین لینگز، هنر خط و تذهیب قرآنی، ترجمه ی مهرداد قیومی بیدهندی، چاپ اول، انتشارات گروس، ۱۳۷۷.
۲۷- منجد، صلاح الدین، مجله ی، مشکوه، شماره ی ۳۰، بهار سال ۱۳۷۰، ترجمه ی آصف فکرت.
۲۸- منشی قمی، میراحمد، گلستان هنر، مقدمه و تصحیح احمد سهیلی خوانساری.
۲۹- نیمایی عالی، امین، ابن بواب علی بن هلال، چاپ اول، مؤسسه ی نمایشگاه های فرهنگی، ستاد برگزاری ششمین نمایشگاه قرآن، ۱۳۷۷.

یک مصحف را کتابت کرده است!

از زمره آثار شناخته شده او می توان ۴۰ نسخه کتاب و حدود ۶۰ نسخه قرآن خطی را نام برد. آثار پراکنده خط یاقوت حدود ۲۰ قطعه است. مجموعه آثار خطی و مکتوب او در ایران، ترکیه، عراق، مصر، انگلیس، فرانسه، آمریکا و ... نگهداری می شود که بیشترین آثار یاقوت در ایران و ترکیه است.

آثار او به خط نسخ و ثلث است و در برخی از آثار به خطوط ریحان، محقق و رِقَاع و ... کتابت کرده است. یکی از ویژگی های کتابت او استفاده از دو نوع قلم کتابت است. آخرین اثر او تاریخ ۶۹۶ هجری را دارد که مربوط به دهه پایانی عمر اوست.
۳- شاگردان یاقوت: یاقوت شاگردان بسیاری را تربیت کرد که بعد از او، شیوه کتابت او را کار کرده و ترویج دادند. مهمترین شاگردان یاقوت و خود او را مجموعاً «استادان هفتگانه» گفته اند که هر کدام از بزرگترین استادان مسلم قرن هشتم هجری محسوب می شوند:

ارغوان کاملی، مبارک شاه قطب تبریزی، سید حیدر جلی نویسی یا گنده نویسی، نصرالله طبیب قندهاری، مولانا یوسف مشهدی، احمد سهروردی. لازم به یادآوری است که آنان را هم «استادان سته» نامیده اند هر کدام در تاریخ هنر و خوشنویسی ایران از جایگاهی والا و اعتبار فراوان برخوردارند.

منابع و ماخذ

- ۱- افندی، عالی، مناقب هنروران، ترجمه ی توفیق ه. سبحانی، چاپ اول، سروش.
۲- اصفهانی، حبیب الله، تذکره ی خط و خطاطان، ترجمه ی رحیم چلوش اکبری.
۳- اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مفصل ایران، انتشارات خیام، تهران.
۴- بار تولد، الکساندر و دیگران، تاریخ دولت های اسلامی و خاندان های حکومت گر، ترجمه ی صادق سجادی، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳.
۵- الاعظمی، ولید، تراجم خطاطی بغداد المعاصرین.
۶- بخشنده، فرهاد، تاریخ مختصر جهان اسلام، چاپ اول، انتشارات محیا، ۱۳۷۶.
۷- بیانی، مهدی، احوال و آثار خوشنویسان، جلد ۴، انتشارات دانشگاه تهران.
۸- تذکره الخطاطین، جلد ۱.
۹- خلیلی، ناصر، مجموعه آثار خلیلی با عنوان: